

مروری بر ۲سالگی دولتی که قرار بود سپر بلای معیشت باشد

فاکتور سنگین دولت پزشکیان برای مردم



کیمیا ملکی: هفته دولت معمولاً فصل مرور کارنامه‌هاست؛ فصل افتتاح پروژه‌ها، اعلام آمارها و تکرار وعده‌هایی که قرار است اقتصاد را قابل پیش‌بینی‌تر کنند. اما در اقتصاد ایران، یک کارنامه بی‌رحم‌تر از همه وجود دارد: تابلو قیمت‌ها. از مرداد ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۵، بازارهای ایران تصویری روشن از کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی انتظارات و فرسایش سرمایه خانوار ارائه می‌کنند. دلار از محدوده ۴۹ هزار تومان به حدود ۱۹۰ هزار تومان رسیده، هر گرم طلای ۱۸ عیار از ۳ میلیون و ۳۲۶ هزار تومان عبور کرده و ۲۰ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است و سکه امامی نیز از حدود ۴۱ میلیون تومان حال از ۲۰۲ میلیون تومان عبور کرده است. همچنین در بازار خودرو، محصولاتی که دو سال قبل با قیمت‌های ۴۰۰ تا ۹۰۰ میلیون تومان معامله می‌شدند، اکنون در محدوده یک تا نزدیک ۳ میلیارد تومان قرار دارند. این تغییرات در شرایطی رخ داده که اقتصاد ایران طی این دوره با مجموعه‌ای از مشکلات مزمن، تحریم، کسری بودجه، ناترازی انرژی، کاهش سرمایه‌گذاری و تجربه ۲ جنگ تحمیلی روبه‌رو بوده است، جنگ‌هایی که نه تنها امنیت، بلکه مسیر تجارت، تولید، حمل‌ونقل و تامین کالا را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند.

دولت چهاردهم در اقتصادی که آرام نگرفت

بر زندگی روزمره مردم اثر می‌گذارد. در این ۲ سال، بازارها بیش از آنکه به شاخص‌های تولید و بهروری واکنش نشان دهند از اخبار سیاسی، ریسک‌های امنیتی، محدودیت‌های تجاری، نرخ ارز و چشم‌انداز تورم تأثیر گرفته‌اند. نتیجه چنین وضعیتی، حرکت سرمایه از فعالیت‌های مولد به سمت دارایی‌هایی مانند ارز، طلا، سکه و خودرو بوده است. این رفتار، در ظاهر انتخاب سرمایه‌گذاران است اما در واقع واکنشی به کاهش اعتماد عمومی به آینده پول ملی و بازدهی فعالیت‌های تولیدی است.

مسعود پزشکیان در شرایطی دولت را در مرداد ۱۴۰۳ تحویل گرفت که اقتصاد ایران پیش از آغاز کار دولت چهاردهم نیز با تورم بالا، رشد نقدینگی، کاهش قدرت خرید، محدودیت‌های ارزی و نااطمینانی سیاسی و تجاری دست‌وپنجه نرم می‌کرد. بنابراین، افزایش قیمت دارایی‌ها را نمی‌توان به‌صورت کامل به سیاست‌های یک دولت نسبت داد. باین‌حال، دولت‌ها مسئول مدیریت انتظارات، کنترل کسری بودجه، حفظ ثبات بازار و طراحی سیاست‌های کاهش آسیب هستند، حوزه‌هایی که عملکرد آنها مستقیماً

طلا و سکه؛ پناهگاه مردم در زمانه بی‌اعتمادی

این دوره حدود ۱۶۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده و رشد آن، با مبنای ۴۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، حدود ۳۹۲ درصد بوده است. در همین بازار، نیم‌سکه حدود ۱۰۲ میلیون تومان، ربع‌سکه حدود ۵۶ میلیون تومان و سکه گرمی حدود ۲۹ میلیون تومان نیز سهم مهمی در رشد قیمت طلای داخلی داشته است. به بیان ساده، طلا در ایران از ۲ موتور هم‌زمان تغذیه می‌کند: نرخ جهانی و نرخ ارز داخلی. بازار سکه نیز روندی مشابه داشته است. سکه امامی که در مرداد ۱۴۰۳ در محدوده ۴۰ میلیون و ۱۵۰ هزار تا ۴۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان معامله می‌شد، در پایان مرداد ۱۴۰۵ به حدود ۲۰۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید. بنابراین، قیمت سکه امامی طی

۲ جنگ و اقتصادی که از مسیر تولید خارج شد

را تحت تأثیر قرار داد. در دوره‌های جنگی، نخستین واکنش بازار معمولاً افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن است. مردم و بنگاه‌ها برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت دلار، طلا و سکه می‌روند. هم‌زمان، واردکنندگان با افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل روبه‌رو می‌شوند و تولیدکنندگان نیز برای تامین قطعه، مواد اولیه و انرژی با ریسک بیشتری مواجه می‌شوند. حتی اگر در مقاطعی بازار پس از شوک اولیه آرام شود، اثر جنگ بر انتظارات تورمی و تصمیم سرمایه‌گذاری باقی می‌ماند. در چنین شرایطی، دولت باید میان مدیریت بحران و اصلاحات اقتصادی توازن ایجاد کند. اما هرگاه بحران‌های بیرونی با ناترازی‌های داخلی، کسری بودجه، قطعی انرژی، کاهش سرمایه‌گذاری و ضعف سیاست ارتباطی همراه شوند، بازارها به جای بازگشت به ثبات، وارد چرخه‌ای از جهش و اصلاح موقت می‌شوند.

سخن پایانی

دولت پزشکیان اقتصاد را در شرایطی دشوار تحویل گرفت؛ اما دشواری نقطه شروع، مسئولیت ادامه مسیر را از دولت سلب نمی‌کند. طی دو سال گذشته، دلار از حدود ۴۹ هزار تومان به نزدیک ۱۹۰ هزار تومان، طلای ۱۸ عیار از ۳ میلیون و ۳۲۶ هزار تومان به بیش از ۲۰ میلیون تومان و سکه امامی از حدود ۴۱ میلیون تومان به بیش از ۲۰۲ میلیون تومان رسیده است. خودرو نیز از کالای مصرفی به سرمایه‌ای گران‌قیمت تبدیل شده است. جنگ، تحریم و بحران‌های بیرونی واقعیت‌های مهم این دوره‌اند اما همه مسئله نیستند. اقتصاد ایران هم‌زمان از ضعف سیاست‌گذاری، ناترازی بودجه، چندرخی‌بودن ارز، فرسودگی تولید و بی‌اعتمادی عمومی آسیب می‌بیند. گزارش بازارها، پیش از آنکه کارنامه یک دولت یا دولت دیگر باشد، کارنامه کاهش قدرت خرید مردم است. تا زمانی که سیاست اقتصادی از واکنش‌های مقطعی به اصلاحات پایدار نرسد، آرامش بازارها شکننده و قیمت‌ها برای خانوارها تهدیدی روزمره باقی خواهد ماند.

مقایسه قیمت دارایی‌ها؛ مرداد ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۵		
دارایی	قیمت مرداد ۱۴۰۳	قیمت مرداد ۱۴۰۵
دلار آزاد	۶۰,۰۰۰ تومان	۱۹۰,۰۰۰ تومان
سکه امامی	۴۱,۲۰۰,۰۰۰ تومان	۲۰۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۳,۳۷۵,۵۰۰ تومان	۲۰,۳۲۶,۵۰۰ تومان
تارا دنده‌ای V1	۷۷۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان	۱,۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
پژو ۲۰۷ دنده‌ای	۷۶۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان	۱,۷۹۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان
کویک GX	۴۲۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان	۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
دنا پلاس شش‌دنده	۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان	۲,۰۹۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان



دلار

در ۳۰ مرداد ۱۴۰۳، نرخ فروش دلار حدود ۴۹ هزار و ۱۰۲ تومان اعلام شد. در پایان مرداد ۱۴۰۵، نرخ دلار در بازار آزاد در محدوده ۱۸۹ هزار و ۴۰۰ تا ۱۹۰ هزار و ۱۰۰ تومان قرار گرفت. به این ترتیب، نرخ دلار طی این دوره حدود ۱۴۱ هزار تومان افزایش پیدا کرده و رشد آن به حدود ۲۸۷ درصد رسیده است. این افزایش فقط به معنای گران‌شدن ارز برای واردکنندگان نیست. دلار در اقتصاد ایران به شاخصی برای قیمت‌گذاری بسیاری از کالاها تبدیل شده است؛ از مواد اولیه و قطعات صنعتی گرفته تا خودرو، تجهیزات پزشکی، لوازم خانگی، نهاده‌های تولید و حتی انتظارات اجاره و مسکن. هر جهش ارزی با فاصله‌ای کوتاه یا بلند، به سایر بازارها منتقل می‌شود. مشکل اصلی آن است که سیاست ارزی در این دوره همچنان میان چند نرخ، چند سامانه و چند هدف متناقض گرفتار مانده است. از یک سو، سیاست‌گذار به دنبال کنترل نرخ ارز و جلوگیری از انتقال تورم است و از سوی دیگر، شکاف میان نرخ‌های رسمی و آزاد، انگیزه رانت و تقاضای سفته‌بازانه ایجاد می‌کند. در چنین بازاری، فعال اقتصادی نمی‌داند هزینه واقعی واردات، قیمت تمام‌شده تولید و امکان تامین ارز در ماه آینده چگونه خواهد بود.

خودرو؛ کالایی که از مصرف افتاد و به دارایی تبدیل شد

بازار خودرو در مرداد ۱۴۰۳ هنوز در محدوده‌های پایین‌تری قرار داشت اما همان زمان نیز قیمت خودرو برای درآمد خانوار سنگین بود. تارا دنده‌ای V1 حدود ۷۷۵ میلیون تومان، پژو ۲۰۷ دنده‌ای ارتقایافته حدود ۷۶۵ میلیون تومان و کویک دنده‌ای GX L حدود ۴۲۵ میلیون تومان قیمت داشتند. اطلس نیز در محدوده ۵۲۰ میلیون تومان معامله می‌شد.

در پایان مرداد ۱۴۰۵، قیمت برخی از همین گروه خودروها به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. اطلس G حدود یک میلیارد و ۴۸۰ میلیون تومان و نسخه اتوماتیک آن حدود دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان قیمت دارد. پژو ۲۰۷ دنده‌ای هیدرولیک به حدود یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان و پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما به حدود دو میلیارد و ۶۷۰ میلیون تومان رسیده است. تارا دستی V1 نیز حدود یک میلیارد و ۸۹۰ میلیون تومان و تارا اتوماتیک V4 حدود ۷۴ میلیارد و ۷۲۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. کویک GX نیز در محدوده یک میلیارد و ۱۹۵ میلیون تومان قرار گرفته است. بر این اساس، قیمت اطلس G نسبت به اطلس در مرداد ۱۴۰۳ حدود ۱۷۴ درصد افزایش داشته است. قیمت پژو ۲۰۷ دنده‌ای حدود ۱۴۲ درصد، تارا دنده‌ای حدود ۱۵۳ درصد و کویک GX حدود ۱۸۱ درصد رشد کرده است.

در این میان، فاصله قیمت کارخانه و بازار نیز همچنان پابرجاست. برای نمونه، قیمت بازار تارا اتوماتیک V4 حدود ۲ میلیارد و ۷۲۰ میلیون تومان و قیمت نمایندگی آن حدود ۲ میلیارد و ۴۷۰ میلیون تومان گزارش شده است. چنین فاصله‌ای، اگرچه نسبت به دوره‌های قبل ممکن است کمتر یا بیشتر شود، همچنان نشانه‌ای از ناکهایی در این ساختار نه از قیمت‌ت عرضه است. مصرف‌کننده نهایی در این ساختار نه از قیمت‌گذاری دستوری سود می‌برد و نه از بازار آزاد؛ تنها هزینه ناکارآمدی سیاست‌گذاری را پرداخت می‌کند.

صورت‌حساب مردم؛ تورم دارایی‌ها و کاهش قدرت خرید

افزایش قیمت در بازار ارز، طلا، سکه و خودرو را نمی‌توان نشانه رونق اقتصادی دانست. رشد قیمت دارایی‌ها زمانی ارزش اقتصادی دارد که با افزایش درآمد، اشتغال، تولید و سرمایه‌گذاری همراه باشد. در غیر این صورت، این رشد فقط نشان‌دهنده کاهش ارزش پول ملی است.

در مرداد ۱۴۰۳، خرید یک خودروی اقتصادی مانند کویک با حدود ۴۲۵ میلیون تومان دشوار بود، در مرداد ۱۴۰۵ همان خودرو در محدوده بیش از یک میلیارد تومان قرار دارد. این فاصله بیانگر آن است که درآمد خانوار با سرعت دارایی‌ها رشد نکرده است. برای بسیاری از حقوق‌بگیران، خودرو، طلا و حتی سکه از ابزار سرمایه‌گذاری به کالاهای دست‌نیافتنی تبدیل شده‌اند.

این وضعیت همچنین شکاف طبقاتی را عمیق‌تر می‌کند. کسانی که پیش‌تر دارایی داشته‌اند، از رشد قیمت‌ها برای حفظ ارزش سرمایه خود استفاده می‌کنند؛ اما کسانی که درآمدشان تنها از محل دستمزد تأمین می‌شود، هر روز سهم کوچک‌تری از بازارها دارند. تورم در این معنا فقط افزایش قیمت نیست؛ سازوکاری برای بازتوزیع ثروت از حقوق‌بگیران و مصرف‌کنندگان به دارندگان دارایی است.